

ولما توفي صار شيخ الطائفة وتلقب بالعلواني.. وتوفي سنة ١١٦٨هـ^(٢).

الهوامش:

١ ابن موسى، علي بن موسى، رسائل في تاريخ المدينة المنورة، قدم لها: حمد الجاسر (الرياض: دار اليمامة، ١٣٩٢هـ/١٩٧٢م)، ٥٣.

٢ الأنصاري، عبد الرحمن، تحفة المحبين والأصحاب في معرفة ما للمدنيين من أنساب، تحقيق: محمد العروسي المطوي (تونس: المكتبة العتيقة، ١٣٩٠هـ/١٩٧٠م)، ٥٠٦ - ٥٠٧.

عباس طاشكندي

ابن عَلِيك، رِبَاط

أحد الرباطات بالمدينة المنورة. ذُكر اسم صاحب الرباط في (التحفة اللطيفة) مرة بالياء^(١)، وأخرى بالباء (ابن عليك)، دون أن يوضح السخاوي من هو هذا الشخص، أو متى أنشئ هذا الرباط. غير أن السخاوي أضاف أن هذا الرباط هو المعروف بـ(الخلف، أي رباط الخلف)^(٢). ونقل المديرس^(٣) هذه المعلومة عن السخاوي كما هي. بخلاف ذلك لا تتوافر أي معلومات عن هذا الرباط، أو عن صاحبه.

الهوامش:

١ السخاوي، محمد بن عبد الرحمن، التحفة اللطيفة في تاريخ المدينة الشريفة، ج ١ (القاهرة: دار الثقافة، ١٣٩٩هـ/١٩٧٩م)، ٦٥.

٢ السخاوي، محمد بن عبد الرحمن، التحفة اللطيفة في تاريخ المدينة الشريفة، ج ١ (بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤هـ/١٩٩٣م)، ٣٧.

٣ المديرس، عبد الرحمن مديرس، المدينة المنورة في العصر المملوكي (٦٤٨ - ٩٢٣هـ/١٢٥٠ - ١٥١٧ م) دراسة تاريخية (الرياض: مركز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية، ١٤٢٢هـ/٢٠٠١م)، ١٤٨.

صلاح حمودي

ابن عَمَّار، رَحْلَة

هذه الرحلة إلى الحجاز تمت سنة ١١٦٦هـ/١٧٥٣م، جاور صاحبها مكة المكرمة إلى ما بعد سنة ١١٧٢هـ/١٧٥٩م، ويتعلق الأمر بأحمد بن عباس بن عبد الرحمن بن عمار الجزائري (ت ١٢٠٥هـ/١٧٩٠م)، الذي ورد في ترجمته أنه كان من المهتمين بالتاريخ^(١)، وأن رحلته المتحدث عنها طبع قسم منها، وهي الحقيقة التي تؤكدنا النسخة المخطوطة التي حصلنا عليها بفضل مساعدة ثمينة من معالي الأستاذ الطيب بلعيز وزير التشغيل والتضامن الوطني بالجمهورية الجزائرية^(٢)، كما تؤكدنا النسخة المطبوعة التي وقفنا عليها في مكتبة

المؤلفات الشهيرة، منها: (إنباء الجليل مراد ببناء بيت الله الوهاب الجواد). تصدى للتدريس والإلقاء والإفتاء في حلقة المسجد الحرام، مهتمًا بتدريس الحديث، والفقه، والتفسير، والقراءات^(١).

الهوامش:

١ المحبي، محمد أمين بن فضل الله، خلاصة الأثر في أعيان القرن الحادي عشر، ج ٤ (القاهرة: مطبعة بولاق، ١٢٨٤هـ)، ١٨٤؛ أبو الخير، عبد الله مراد، المختصر من كتاب نشر النور والزهر في تراجم أفاضل مكة من القرن العاشر إلى القرن الرابع عشر، تحقيق: محمد سعيد العامودي وأحمد علي، ط ٢ (جدة: عالم المعرفة، ١٤٠٦هـ/١٩٨٦م)، ٤٦٤.

عباس طاشكندي

ابن عَلَقْمَة الكِنَانِي، مَجْلِس

مجلس كان بفي دار ابن علقمة الكناني، بجوار المسعى. ذكر الفاكهي ما يشير إلى المجلس المذكور في قوله: «حدثني أبو يحيى بن أبي مسرّة، قال: سمعت بكار بن رباح مولى الأحنس، قال: كنت جالسا على باب دار ابن علقمة في المسعى، ومعنا المشايخ، منهم محمد بن عباد أبو كنانة وجماعة، فمر بنا ابن جريج راثحا إلى الجمعة من داره البيضاء من المروة، فقال أهل المجلس: هذا عبد الملك قد راح إلى الجمعة، انظروا إلى من ردنا الدهر بعد عمرو بن دينار»^(١).

الهوامش:

١ الفاكهي، محمد بن إسحاق، أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه، دراسة وتحقيق: عبد الملك بن دهيش، ط ٤، ج ٢ (مكة: عبد الملك بن دهيش، ١٤٢٤هـ/٢٠٠٣م)، ٣٠٢.

عباس طاشكندي

ابن عُلوَان، زَاوِيَة

من الزوايا التاريخية التي كانت سابقاً في المدينة المنورة. عرفت بزواية ابن علوان أو الزاوية العلوانية، وكان موقعها في حارة ذروان. ذكرها علي بن موسى في معرض تناوله لزوايا المدينة المنورة^(١).

الزاوية المذكورة كانت لأتباع الطريقة العلوانية، فقد أشار عبد الرحمن الأنصاري صاحب (تحفة المحبين والأصحاب في معرفة ما للمدنيين من الأنساب) عند ترجمته لبيت الينبعي فقال: «أصلهم عبدالرحمن بن حمد البربري. قدم المدينة النبوية، وهو صغير مع والدته آمنة بنت محمد البربري، فتزوجت على الشيخ عبدالملك اليمني، شيخ الطائفة العلوانية بالمدينة المنورة، فنشأ عبدالرحمن في حجره على طريقته.

19 6 TEMMUZ 1997

- Mawlid
- Ibn Ammar

11305 HADJ-SADOK, M. "Le Mawlid d'après le Mufti, poète d'Alger Ibn 'Ammār." *Mélanges Louis Massignon* II, 269-92. Analysis of an 18th cent. work *Niḥlat al-labīb bi-akhbār ar-riḥla ilā 'l-ḥabīb* (printed in 1902).

el-Cezairi

۱۲۰۵ق/۱۷۹۱م به محمد خلیل تلمسانی اجازه داده است، می‌توان نتیجه گرفت که در ۱۱۵۹ق وی حدود ۴۰ سال داشته و تولدش در حدود ۱۱۱۹ق/۱۷۰۷م بوده است (نک: سعدالله، ۲۳۴/۲).

ابن عمار در خانواده‌ای اهل علم و ادب پرورش یافت و در علم و دین پدر را مقتدا قرار داد. وی صحیح بخاری را با واسطه‌دایی خود محمد بن سید معروف به سیدی هدی المالکی و نیز ابو عبدالله محمد بن هادی از پدر روایت کرده است (کتانی، ۱۲۱/۱؛ سعد الله، ۲۳۳/۲ - ۲۳۴، ۲۳۴).

ابن عمار پس از سفرهای متعدد و بهره‌گیری از محضر علمای شرق و غرب سرزمینهای اسلامی، به عنوان فقیه و ادیبی عالیقدر در الجزایر نامور شد. وی از ابو حفص عمر بن عقیل باعلوی، حسن بن محمد سعید کورانی، خلیل بن محمد تونی، شمس الدین حفنی، ابوالحسن سندی و دیگران علم آموخت و به وسیله ابو عبدالله منور تلمسانی به سلک شاذلیان درآمد، همچنین مبانی عرفان را در مصر از عبدالوهاب عیفی فرا گرفت (کتانی، همانجا).

وی در ۱۱۶۶ق/۱۷۵۳م به حج رفت و در این سفر حسین ورتلانی همراه او بود. ابن عمار در ۱۱۷۲ق از حجاز به مصر رفت (حاج صادق، ۲۸۹). به نقل از کتانی؛ سعدالله، ۲۳۵/۲. محل اقامت وی و آنچه در فاصله دو تاریخ مذکور بر او گذشته است، روشن نیست. مرتبه ابن عمار در فقه مالکی، حدیث و تفسیر بدانجا رسید که در فاصله سالهای ۱۱۸۰ - ۱۱۸۴ق/۱۷۶۶ - ۱۷۷۰م مفتی الجزایر شد و به عنوان مدرس و مفسر کتب فقهی به تدریس پرداخت و کتبی چون مختصر خلیل و مختصر ابن حاجب را تدریس می‌کرد (همو، ۶۹/۲ - ۲۳۴، ۷۰). چنانکه احمد غزال مغربی در ۱۱۸۲ق/۱۷۶۸م، در مجلس درس وی در جامع کبیر الجزایر حاضر شد و از او کسب فیض کرد و قصیده‌ای نیز در مدح وی سرود. ابن عمار شاگردان بسیاری داشت و جمعی همچون عبدالستار بن عبدالوهاب مکی هندی و محمد خلیل تلمسانی از او اجازه دریافت کردند. وی در اجازه‌ای که به محمد خلیل مرادی داده، نام بسیاری از شیوخ خود در مصر و حرمین را ذکر کرده است (همو، ۵۱/۲، ۱۹۳، ۲۳۵، ۲۸۳).

ابن عمار در مقام ادیب و شاعری توانا، بارزترین شخصیت ادبی قرن ۱۲ق الجزایر است. او در ادب خود را پیرو بوضیری، ابن فارض و فتح بن خاقان می‌دانست (حفناوی، ۸۹/۱، ۹۱). دوتن از ادبای بزرگ آن دیار ابوالعباس احمد منجلاتی و محمد بن محمد معروف به ابن علی از استادان وی بوده‌اند و ابن عمار با ابن علی مجالس انس و مبادلات شعری داشته است. تعلق خاطر وی به استادش ابن علی تا حدی است که یکی از آثار خود لواء النصر را با یاد و نام او آغاز کرده است (حاج صادق، ۲۷۲؛ سعدالله، ۳۱۶/۲ - ۳۱۷). به هر تقدیر ابن عمار که در نثر و نظم، به ویژه در موشحات، بسیار توانا بود، اشعاری در این قالب در باب مولد نبی (ص) و مدح آن حضرت سروده است. وی در وصف طبیعت نیز دستی داشت و در گونه‌های دیگر شعر نیز سخن به کمال

دیگران از او روایت نموده‌اند (ابوالفرج، ۱۵۷/۶، ۱۵۷/۷؛ خطیب، ۱۶۹/۳، ۲۵۲/۴ - ۲۵۳؛ صفدی، ۱۷۱/۷؛ یاقوت، ۲۳۳/۳؛ ابن نجار، ۱۴۰/۲). ابن اثیر هم از ابن عمار اخباری نقل کرده است. از جمله در یک مورد به روایت از او از گرایش سخت‌مأمن به علویان و نیکیهایش به آنان سخن گفته است (۴۳۸/۶).

ابن عمار شعر نیز می‌سرود و یاقوت (۲۴۱/۳) و ابن شاکر (صص ۱۵۴ - ۱۵۵) قطعه شعری از او به نقل از معجم الشعراء مرزبانی نقل کرده‌اند، ولی به گفته فراج (ص ۵۱۶) این قطعه در نسخه خطی ناقصی از معجم که در اختیار او بوده، نیامده است.

آثار: ابن عمار آثار متعددی داشته است، اما با بررسی فهرستهای موجود معلوم گردید که از هیچ کدام از آنها نسخه‌ای در دست نیست. عناوین آثار او چنین است: کتاب المبیضة، که درباره مقاتل طالبیین (آل ابی طالب) است، الأنواء، مثالب ابی نواس، اخبار سلیمان بن ابی شیخ، الزیادات فی اخبار الوزراء ابن جراح، اخبار حُجر بن عدی، اخبار ابی نواس، اخبار ابن الرومی والاختیار من شعره، المناقضات، اخبار ابی العتاهیه، رساله فی بنی امیه، رساله فی تفضیل بنی هاشم و اولیائهم و ذم بنی امیه و اتباعهم، رساله فی امر ابن المحرز المحدث، رساله فی مثالب معاویه و اخبار عبدالله بن معاویه بن جعفر (ابن ندیم، ۱۶۶؛ همو، چ فولگل، ۴۸؛ یاقوت، ۲۴۰/۳). ظاهرأ مطالبی از کتاب اخیر در الاغانی آمده است (سزگین، ۵۶/۳)۲؛ قس: ابوالفرج، ۷۳/۱۱ - ۷۶).

سال وفات ابن عمار در منابع به اختلاف یاد شده است: یاقوت در یکجا (۲۴۱/۳)، به نقل از مرزبانی، ۳۱۰ق و در جای دیگر (۲۳۳/۳)، ۳۱۴ق (قس: خطیب، ۲۵۳/۴) و ابن ندیم (ص ۱۶۶)، ۳۱۹ق ضبط کرده‌اند.

مأخذ: آقا بزرگ، الذریعة؛ ابن اثیر، الكامل؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹ق؛ ابن رومی، علی بن عباس، دیوان، به کوشش حسین نصار، قاهره، ۱۳۹۳ق / ۱۹۷۳م؛ ابن شاکر کتبی، محمد، عیون التواریخ، نسخه خطی کتابخانه احمد ثالث، شه ۲۹۲۲؛ ابن نجار، محمد بن محمود، ذیل تاریخ بغداد، به کوشش قیصر فرح، بیروت، دارالکتب العلمیه؛ ابن ندیم، الفهرست؛ همان، به کوشش گوستاو فولگل، لایپزیک، ۱۸۷۱م؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، بولاق، ۱۳۲۳ق؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹ق؛ ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، به کوشش علی محمد بجاوی، بیروت، ۱۳۸۲ق / ۱۹۶۳م؛ سزگین، فواد، تاریخ التراث العربی، ترجمه محمود فهمی حجازی، ریاض، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م؛ صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۳۸۹ق / ۱۹۶۹م؛ فراج، عبدالستار احمد، تكملة بر معجم الشعراء مرزبانی، قاهره، ۱۳۷۹ق / ۱۹۶۰م؛ جعفر شعار، یاقوت، ادبا.

ابن عمار، احمد بن سیدی عمار بن عبدالرحمن بن عمار، فقیه و ادیب الجزایری سده ۱۲ق/۱۸م. زندگی وی چنان ناشناخته است که حتی تاریخ دقیقی از زمان تولد و وفات وی در دست نیست، اما با توجه به اینکه ابن حمادوش، دوست وی، در رحله خود در ۱۱۵۹ق/۱۷۴۶م تقریظ بر کتاب خویش الدرر علی المختصر را به او نسبت داده و وی را از علما شمرده است و نیز با عنایت به اینکه می‌دانیم وی در

ابن عمّار، أبو العباس أحمد

381؛ • البغدادي، الخطيب، أحمد بن علي، تاريخ بغداد، دار الكتب العلمية، بيروت، دت، 1/68، 86، 87، 344، 3/85، 169، 386، 4/252، 5/465، 6/361، 7/93، 10/458؛ • ابن حجر، لسان الميزان، ط2، مؤسسة الأعلمي، بيروت 1986م، 1/168، 169؛ • الحموي، ياقوت، معجم الأدباء، تح. إحسان عباس، دار الغرب الإسلامي، بيروت 1993م، 1/364 - 367؛ • الزركلي، خير الدين، الأعلام، ط15، دار العلم للملايين، بيروت 2002م، 1/166؛ • العاملي، محسن الأمين، أعيان الشيعة، تح. حسن الأمين، دار التعارف للمطبوعات، بيروت 1403هـ / 1983م، 3/21 - 23؛ • العسكري، الحافظ الحسن بن عبد الله، أخبار المصنفين، تح. صبحي البدري السامرائي، مؤسسة عالم الكتب، بيروت 1406هـ، 32 - 33، 41 - 42، 44، 49 - 50، 52، 56؛ • كحالة، عمر رضا، معجم المؤلفين، مؤسسة الرسالة، بيروت 1414هـ / 1993م، 191، 192؛ • ابن النديم، الفهرست، تح. رضا تجدد، طهران 1971م، 166.

د. محمد شقرون
جامعة تونس

الزيادات في أخبار الوزراء؛ 4 - كتاب أخبار أبي العتاهية؛ 5 - كتاب أخبار عبد الله بن معاوية بن جعفر الجعدي؛ 6 - كتاب المناقضات؛ 7 - كتاب المختار من شعر أبي نواس؛ 8 - كتاب مثالب أبي نواس وسرقاته؛ 9 - كتاب صقّين؛ 10 - كتاب الجمل؛ 11 - كتاب أخبار ابن الرومي ومختار شعره.

وصنف ابن عمّار إلى جانب ما ذكرناه من كتب، مجموعة من الرسائل منها: 12 - رسالة في تفضيل بني هاشم وأوليائهم وذم بني أمية وأتباعهم؛ 13 - رسالة في بني أمية؛ 14 - رسالة في مثالب معاوية؛ 15 - رسالة في أمر أبي محرز المحدث [تاريخ بغداد، 4/252؛ معجم الأدباء، 1/367؛ الفهرست، 166؛ الأعلام، 1/166].

المصادر والمراجع

• الإصبهاني، أبو الفرج، كتاب الأغاني، تح. سمير جابر، دار الفكر، ط2، بيروت، دت، 1/24، 34 - 36، 39، 225، 2/10، 98، 170، 186، 236، 285...؛ • م.ن، كتاب مقاتل الطالبين، تح. السيد أحمد صقر، ط2، منشورات الشريف الرضي، أمير - قم، 1416هـ / 1995م، 80، 151، 153، 155، 291، 334 - 335، 347، 358، 371 - 372.

ابن عمّار، أبو العباس أحمد

(نحو 1120هـ / 1708م - نحو 1206هـ / 1792م)

وعاصر الأحداث التي عرفتها بلاده ومنطقة المغرب العربي بل والمشرق العربي والإسلامي وأوروبا خلال تلك الفترة؛ فقد تولّى وظائف

أحمد بن عمار بن عبد الرحمان الجزائري، أبو العباس. عاش في القرن الثاني عشر الهجري (الثامن عشر الميلادي)،

-ibn Ammar et Cagueri
13 EYLÖL 1993

ii, 765-6) reproduces long passages from it. From there he must have returned to Valencia, where he witnessed the last years of its history as a Muslim town, until it surrendered, also to James I, nine years after Majorca (17 Šafar 636/28 September 1238). His native town being lost, he crossed the Straits to Morocco and entered the service of Abū Muḥammad 'Abd al-Wāḥid al-Rašīd, the tenth Almohad caliph (630-40/1232-42), who appointed him secretary in the Chancellery. A little later, he was appointed *kādi* of the Hīlāna tribe, and then transferred to Salé; in the following reign he appears as a *kādi* in Meknès. Later, he moved to Ceuta and from there to Ifrikiya, where he entered the service of the Ḥafšids, in Tunis. He was appointed *kādi*, first of al-Urbus, then of Gabès; al-Mustanšir bi'llāh (647-75/1249-76) made him one of his advisers, and he became his favourite courtier until his death, on 20 Dhu 'l-Ḥiǧǧia 658/26 November 1260.

Ibn 'Amīra was a prolific writer of both prose and verse; the sources named in the bibliography reproduce an abundance of material, mostly in the form of official State letters and letters addressed to friends. Even his book on the fall of Majorca was a *risāla* addressed to some particular person. His prose is sober, eloquent, beautiful and precise, but is surpassed in these qualities by that of his contemporary Ibn al-Abbār. His poetry is better than his prose. The only work to have survived under his name is *al-Tibyān fi 'ilm al-kalām* (MS Escorial 296), and it seems in fact that this and the work on Majorca are the only books that he wrote, although several others have been attributed to him.

Bibliography: Ibn al-Abbār, *al-Muḥtaḍab min Kitāb Tuḥfat al-kādim*, Cairo 1957, 145-50 (an abridgement which omits most of the prose quotations); Ibn 'Abd al-Mun'im al-Ḥimyarī, ed. and trans. Lévi-Provençal, *La Péninsule ibérique au moyen âge*, Leiden 1938, 33, 48-55, 103-4 of the Arabic text; Ibn al-Kādi, *Djadhwat al-iktibās*, Fās 1315, 72-3; Maḳḳarī, *Analectes*, index; idem, *Azhār al-riyād*, Cairo 1942, iii, 218; M. M. Antuñā, *Notas sobre dos mss. escurialenses mal catalogados*, in *al-Andalus*, vi/2 (1941), 271-6; Brockelmann, I, 381; F. Bustāni, *Dā'irat al-ma'ārif*, iii, 402; 'Abd al-Malik al-Marrākushī, *al-Dhayl wa 'l-takmila*, MS Karawiyyin, i, 70 ff.; Muḥ. b. Šharifa, *Abu 'l-Muṭarrif Aḥmad b. 'Amīra al-Maḳḳzūmī, hayātuh wa āthāruh*, Rabat 1966. (H. MONÉS)

✕ **IBN 'AMMĀR**, ABU 'L-'ABBĀS AḤMAD, *faḳīh* and poet, known at the present time in Algeria under the name of Sidi Ben 'Ammār. It is not known where or when he was born and nothing is known of his childhood, his youth and his early studies. He is said to have learned *ḥadīth* from Abū Ḥafṣ 'Umar b. 'Aḳīl (or 'Uḳāyl) al-Yā'alawī (sic) or al-Bā'alawī (probably al-Yā'āwī, i.e., of the Banī Ya'ā, a tribe of the lesser Kabylie) al-Makkī, who died in 1170/1756; he is said to have studied more particularly the *Šaḥīḥ* of al-Buḳḥārī under masters (?) whose line went back to Abū 'Uḥmān Sa'īd b. Aḥmad al-Maḳḳarī, a former *mufti* of Tlemcen (928/1521-1011/1602). He is said, furthermore, to have been initiated into the precepts of the fraternity of the *Shādhiliyya* by Abū 'Abd Allāh Muḥammad al-Munawwar al-Tilimsānī, a disciple of Mḥammad b. Našir al-Dar'ī, and to have received his mystical education from a second line of masters going back to the Egyptian 'Abd al-Waḥḥāb al-'Afīfī.

For his literary education and notably for the composition of *muwašshahāt* his masters are said to have been two well-known Algerians, Abu

'l-'Abbās Aḥmad al-Mandjallāti and Abū 'Abd Allāh Muḥammad b. Muḥammad b. 'Alī, known nowadays in Algeria by the name of Sidi Ben 'Alī.

In 1166/1752 he decided to perform the *ḥadīj* and, six years later, after a stay in Cairo, withdrew to the Ḥiǧǧāz to end his days there as a *muǧīwīr* [q.v.]. According to certain indications, he was still alive in 1204/1789, and his death allegedly occurred in Mecca between this date and 1211/1796. This is all that is known of his life and studies. In Algiers he held the post of Māliki *mufti* for a long time and taught *ḥadīth*.

Among his pupils or listeners is named Aḥmad al-Ḡhazzāl al-Djazā'iri, who transmitted, in a *ḥašida* of twenty verses, the memory left by the breadth of his knowledge and the quality of his teaching.

Of his written works the following titles are known: (1) a *diwān* of verse; (2) *Liwā' al-naṣr fi fuḍalā' al-'aṣr*; (3) *Risāla fi 'l-tarīka al-khalwatiyya*; (4) *Niḥlat al-labīb bi-akḥbār al-riḥla ila 'l-ḥabīb*.

Only the introduction of the last work has survived, and nothing more is known of it; it is principally from this introduction that we draw the preceding remarks on the personality and works of Ibn 'Ammār, who, for his time, is indisputably both an 'ālim and a *faḳīh*, an *adīb*, a poet and something of a mystic. Without completely neglecting the "humanities" of the Middle East, his interest, in all fields, is obviously centred on the Arabo-Islamic West. As a *mufti* he willingly follows Ibn al-Djazari [q.v.], Ibn Marzūḳ [q.v.], al-Raššā', al-Wanšharisī [q.v.]; as an *adīb* he admires al-Šaḳrātīsī, al-Tanasī, Yaḥyā Ibn Khaldūn, al-Kaysī, Ibn al-Khaṭīb and Ibn Zamrak, and he may be considered a disciple of al-Faṭḥ Ibn Khāḳān [q.v.].

Bibliography: Ibn 'Ammār, *Niḥlat al-labīb bi-akḥbār al-riḥla ila 'l-ḥabīb*, Algiers 1320/1902; Warḥilānī, *Riḥla*, Algiers 1908; Joachim de Gonzales, *Essai chronologique sur les musulmans célèbres de la ville d'Alger*, Algiers 1886; Ḥafnāwī, *Ta'rif al-khalaf bi-riǧāl al-salaf*, 2 vols., Algiers 1328/1909; 'Abd al-Ḥayy al-Kattānī, *Fihris al-Fahāris wa'l-athbāt*, Fez n.d.; M. Hadj-Sadok, *Le mawlid d'après le mufti-poète d'Alger Ibn 'Ammār*, in *Mélanges Louis Massignon*, Damascus 1957. (M. HADJ-SADOK)

✕ **IBN 'AMMĀR**, ABU BAKR MUḤAMMAD B. 'AMMĀR B. ḤUSAYN B. 'AMMĀR, poet and vizier of al-Andalus. Born in 422/1031 in a village near Silves, he belonged to a poor and obscure family and his claim to be of Yemeni origin is doubtful. After beginning his studies at Silves, he received at Cordova an advanced literary education and then tried to make his literary talent pay, travelling throughout Spain in search of patrons. Nothing appears to have survived of his first panegyrics, addressed, it seems without much success, to various Andalusian petty kings, especially as he is said to have himself destroyed the works of his youth. In 445/1053, he arrived at Seville and decided to present himself to the local ruler, al-Mu'taǧid [q.v.], who had just gained some military successes and was eager to have his exploits praised in writing. Seizing this opportunity, Ibn 'Ammār addressed to him a panegyric in which he praised his valour and bravery, attacked his Berber enemies and expressed the desire that his own talent should be rewarded. Al-Mu'taǧid, beguiled by these praises, appointed Ibn 'Ammār a court poet and adopted him as a companion in his pleasures; this was for him the beginning of an eventful career, which was, however,

تقريظ للمفتي ابن عمار

ظروفه ونصه

الأستاذ الدكتور أبو القاسم سعد الله

التقريظ الذي نقدمه هنا عثرنا عليه في قسم المخطوطات العربية بالمكتبة الوطنية بباريس تحت رقم ٦٨٨٠، وهو بقلم المفتي أحمد بن عمار الجزائري الذي كان قد كتبه لكتاب ألفه الوزير حمودة بن عبد العزيز التونسي^(١) وتاريخ التقريظ هو ١١٩٦هـ (١٧٨١م). وقد رأينا أن نضع بين يدي القراء هذا التقريظ لما يمثله من أساليب البلاغة الموروثة عن المدرسة الأندلسية في بلاد المغرب، وهي المدرسة التي كان أحمد بن عمار من أواخر فحولها في الجزائر، وقبل إيراد نص التقريظ رأينا، أن نعرّف أولاً بابن عمار وزميله ابن عبد العزيز، ثم نعرّف بباي تونس (علي بن حسين) وابنه الذي تولى السلطة من بعده (حموده باشا).

أحمد بن عمار: عاش معظم حياته في النصف الثاني من القرن الثاني عشر الهجري (الثامن عشر الميلادي). ولدينا عنه تواريخ محددة وأخرى ظنية. فنحن لا نعرف متى ولد، ولكننا نغلب أن يكون من مواليد مدينة الجزائر حوالي

(١) درسنا حياة أحمد بن عمار في كتاب (تاريخ الجزائر الثقافي)، ج٢، المؤسسة الوطنية للكتابة، الجزائر، ١٩٨٥، وكذلك كتاب (مختارات مجهولة من الشعر العربي)، ط٢، بيروت، ١٩٩٢. وفي بحثنا عن الرحلات الحجازية المنشورة في مصادر تاريخ الجزيرة العربية، ج٢، ط١، الرياض ١٩٧٩ ضمن سلسلة دراسات تاريخ الجزيرة العربية الصادر عن الندوة العالمية التي نظمها قسم التاريخ بكلية الآداب، جامعة الرياض ١٩٧٧.

وفي إجازته لمحمد خليل المرادي المنشورة في كتاب (تجارب في الأدب والرحلة)، الجزائر، ١٩٨٢. أما حمودة بن عبد العزيز فحياته مدروسة إلى حد كبير في المصادر الآتية: (الكتاب الباشي)، تحقيق محمد ماضور، تونس ١٩٧٠، و(إتحاف أهل الزمان) لأحمد بن أبي الضياف، ج٧، تونس ١٩٧١، وأحمد عبد السلام (المؤرخون التونسيون)، تونس ١٩٩٣، انظر باقي المراجع في آخر هذا البحث.

Mecelletu Mecmail'-Lugoti'-Arabiyyeti'-Ürdüni
cilt:27, sayı:65, Amman 1424/2003, s. 237-253.

D.79

Ibn Amman al-Sayid

١٦٤٦ - كتاب «الهداية في القراءات السبع» لأبي
العباس أحمد بن عمّار المهدوي:

أبنا به أبوحيان محمد بن حيان، بن العلامة أثير الدين
أبي حيان شفاهاً عن جده قال: قرأتُ على أبي علي ابن أبي
الأخوص، أبنا موسى بن عبدالرحمن الجميزي المعروف
بابن السخّان، أبنا أبوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله
السهيلي.

ح: وأبنا به عالياً أبوالفرج ابن الغزي مشافهة، عن
يونس بن إبراهيم، عن عبدالمنعم بن عباد، عن السهيلي،
أبنا محمد بن سليمان بن أحمد النغزي، أبنا غلام بن
الوليد بن عمر المخزومي، أبنا المهدوي، به.

(١) أي للداني. وبعده بياض بمقدار سطر ونصف.

28 MART 2000

MADDP HANOVER AND OXFORD
SONNENBERG

شهابالدين ابوالفضل احمد بن محمد بن علي بن حجر العسقلاني، المعجم الفهرس، أو تجريد
اسانيد الكتب المشهورة والاجزاء المنثورة، تحفة، محمد شكور محمود الحاجي امريير الميادينني،
بيروت ١٤٦٨هـ / ١٩٩٨م، ص. ٣٨٥ ISAM Ktp. 61756.